تجاری سازی شرکت های آب منطقه ای و بستر سازی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

(مورد مطالعه: شرکت آب منطقه ای تهران)

مهندس حسن طبسی[۱] ، مهندس حسن مرادی[۲]، دکتر عبدالله نعامی[۳]

چکیده

مقالهٔ حاضر با عنوان یک تحقیق توصیفی-پیمایشی و کاربردی، به دنبال شناسائی عوامل مؤثر در تحقق اهداف تجاری سازی و ارائهٔ راهکارهای مرتبط با این موضوع می‌باشد. به همین منظور شرکت آب منطقه ای تهران برای انجام تحقیق، انتخاب شد. موضوع تقدم سیاست تجاری سازی بر خصوصی سازی به عنوان فرضی اصلی مطرح شده و چهار بعد مهم تجاری سازی یعنی استقلال مدیریتی مالی از حاکمیت، واقعی شدن بهای خدمات، مدیریت انگیزهٔ مالی کارکنان مورد آزمون قرار گرفته است. پرسشنامه‌ای مطابق با طیف پنج گزینه ای لیکرت طراحی و پس از اطمینان از روائی و پایائی آن تأیید، بصورت تصادفی بین ۱۳۵ نفر از کارشناسان و مدیران شرکت توزیع گردید. اغلب مدیران وکارشناسان ارشد شرکت،تجاری سازی را بر خصوصی سازی مقدم دانسته و معتقدند تجاری سازی شرکت پیش از واگذاری آن به بخش خصوصی می تواند در دستیابی به اهداف خصوصی سازی و اجرای اصل۴۴ مؤثر باشد. محاسبهٔ قیمت تمام شد آب و برق جهت شناسائی عوامل هزینه زا و تلاش برای کاهش هزینه های زائد،استفاده از سیستمهای انگیزشی مؤثر،شایسته سالاری در انتصابات،تجدید ساختار و تعدیل نیروی انسانی،برون سپاری کامل فعالیت های قابل انتقال، استفاده از تکنولوژی IT و همچنین استفاده از روشهای نوین بودجه ریزی و...پیشنهاد شد.

واژه های کلیدی :
خصوصی سازی ، اصل ۴۴ قانون اساسی ، تجاری سازی(شرکتی کردن) ، کارآئی هزینه،خدمات عمومی

Key Words:
Privatization, Article 44 of The Constitution, Commercialization (Corporatization), Cost efficiency, Utility.

۱- مقدمه

اقتصاد ایران به دلیل حضور و مدیریت دولت در بیش از سه دهه، کاملاً از رمق افتاده، لذا توسعه و پیشرفت اقتصاد ایران درگرو حضورِ پررنگ و مؤفقِ بخش خصوصی و تعاونی و اجرای دقیق و همه‌جانبه اصل ۴۴ قانون اساسی است. در حال حاضر مهم ترین رویکرد اقتصادی کشور اجرای سیاست های اصل۴۴ قانون اساسی است، لذا اجرای طرح هدفمندی یارانه ها در سه ماههٔ آخر سال ۱۳۸۹ وکاهش یارانه‌های دولتی در بخش خدمات عمومی همچون آب و برق، الزام کلیهٔ بخش های مختلف اقتصادی، صنعتی، تجاری و حتی دولتی به کاهش هزینه ها و همچنین توجه به استراتژی‌های افزایش راندمان و کاهش هزینه های زاید، به اقدامی جدی از طرف دولتمردان بدل شده و بنظرمی رسد حرکت در این مسیر مقدمات خوبی جهت کاربردی کردن پارادایم خصوصی سازی فراهم سازد، به شرط آن که توجه به تجربیات موفق و ناموفق کشور در سال های گذشته و

[1]) کارشناس ارشد مدیریت اجرائی و رئیس اداره نگهداری و تعمیرات نیروگاه برقابی سد امیر کبیر.

Email: hasan_tabasi2100@yahoo.com

[2]) کارشناس ایمنی و پایداری سد امیرکبیر .

Email: hasan_moradi_3@yahoo.com

[3]) استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد تهران جنوب .

Email: naami122@yahoo.com

تجربیات موفق دیگر کشورهای صاحب سبک در زمینهٔ خصوصی سازی و همچنین تحلیل موانع، روش‌ها، مراحل و الگوهای خصوصی‌سازی به موضوع روز مباحث اقتصاد، مدیریت و مراکز علمی – پژوهشی و دانشگاهی کشورمان تبدیل شده و نتایج این مباحث ره توشهٔ بخش های مختلف اقتصادی در راه صعب العبور و پرپیچ و خم خصوصی سازی قرارگیرد.

خصوصی‌سازی شرکت‌های آب منطقه ای، در دستور کار وزارت نیرو و سازمان خصوصی‌سازی قرار گرفته و مطابق همین قانون، آخرین مهلت تعیین شده پایان سال ۱۳۹۳ هجری شمسی می باشد. پیامدهای منفی خصوصی‌سازی شرکت‌های آب منطقه ای، بدون مطالعه‌ای همه‌جانبه ممکن است، بیش از پیامدهای مثبت آن باشد.

از دیدگاه بانک جهانی، صنعت آب هر کشور یکی از مهمترین و حیاتی ترین امور زیربنایی آن کشور [چهار حوزهٔ آب، انرژی(برق و گاز)، حمل و نقل و مخابرات] محسوب می شود و بدلیل حساسیت بالا در امر خدمت رسانی و جلوگیری از ایجاد اختلال در تأمین آب ، واگذاری دارایی‌های تحت مالکیت شرکت های آب بسیار حائز اهمیت است .

بررسی عملکرد صنعت آب کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که امکان و پتانسیل توسعه و بهبود در مدیریت آب هر کشور مستقل از نوع الگوی مالکیت (خصوصی و دولتی) وجود دارد. بعبارت دیگر صنعت آب انگلستان، از الگوی ۱۰۰٪ خصوصی بهره جسته است. الگوی مالکیت دولتی و بهره برداری با الگوی خصوصی (تجاری سازی) در کشور هلند جاری است در حالیکه حفظ مالکیت دولتی و بهره برداری از تأسیسات آب توسط بخش خصوصی نیز در فرانسه پیاده شده است. بااین حال هر سه کشور معتقدند که در این صنعت به نتایج و بهبود های عملی چشمگیری دست یافته اند. با توجه به موارد فوق و وجود انحصار طبیعی در این صنعت و جلوگیری از انتقال این انحصار به بخش خصوصی قبل از فراهم کردن پیش نیازهای لازم و همچنین زیان ده بودن شرکت‌های آب و عدم رغبت بخش خصوصی به خرید این شرکتها، استفاده از الگوی تجاری سازی در شرکت آب منطقه‌ای تهران می تواند بهترین راهکار برای پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی باشد.

تجاری سازی عبارت است از به کارگیری قوانین تجاری حاکم بر بخش خصوصی در یک شرکت با مالکیت دولتی. بسیاری از کشورها همچون برزیل، روسیه، هند و شیلی، تجاری سازی را مرحلهٔ آغازین خصوصی سازی می دانند. برخی از کشورها نیز مانند چین و هلند تجاری سازی را جایگزین خصوصی سازی دانسته و معتقدند بدون انتقال مالکیت شرکت های دولتی به بخش خصوصی، می توان انگیزه، کارایی و سیستم مدیریت حاکم در شرکت‌های خصوصی را به شرکت های دولتی منتقل کرد. در حقیقت الگوی تجاری سازی معتقد است که اختلاف در کارآیی و بهره وری شرکت های خصوصی و دولتی، به «مالکیت» آنها مربوط نمی شود، بلکه ریشه این اختلاف در انگیزه ها و نحوهٔ ادارهٔ آنها نهفته است.

حال یک شرکت دولتی را تصور نمایید که در شرایط زیر اداره شود:

۱) **استقلال مدیریت از حاکمیت:** عزل و نصب مدیران عالی شرکت ها با توجه به عملکرد فنی و نتایج مالی آنان و به دور از اهداف سیاسی سیاستمداران سبب می شود ارتقای عملکرد در همهٔ زمینه‌ها به انگیزهٔ اصلی مدیران ارشد تبدیل شود.

۲) **استقلال مالی از حاکمیت:** اگر شرکت دولتی برای هزینه‌کرد در مصارف جاری و عمرانی تنها به درآمدها، اعتبار و توان وام‌گیری خوداز بانکها وابسته باشد،استقلال مالی ایجاد شده و کسب سودودرآمد برای بقاء وتوسعه به یک الزام تبدیل می‌شود.

۳) **واقعی شدن تعرفه های آب و برق:** دلیل عمدهٔ بالا بودن سرانهٔ آب و برق در ایران ، واقعی نبودن قیمت ها بوده و قطعاً با واقعی شدن این قیمت ها و اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، در آیندهٔ نه چندان دور سرانهٔ مصرف به متوسط جهانی نزدیک خواهد شد از طرفی عدم واقعی شدن قیمت ها و عدم توازون هزینه ها با درآمدها موجب زیان ده باقی ماندن شرکت های آب شده در نتیجه عدم رغبت بخش خصوصی برای ورود به این صنعت را به دنبال خواهد داشت.

۴) **انگیزه‌های مالی برای کارکنان :** در یک شرکت خصوصی با استفاده از روشهایی مانند پرداخت کارانه، تسهیم سود یا واگذاری سهام به کارکنان، می توان انگیزهٔ بهره‌وری و سودآوری مالکانه را به بدنهٔ مدیریتی و اجرائی شرکت منتقل نمود.

چهار مورد بالا اساسی‌ترین راهکارهایی است که برای ورود الگوی مدیریت خصوصی در شرکت‌های دولتی بکار گرفته می‌شود. تجاری‌سازی، اغلب در بخش‌های دارای انحصار طبیعی و یا کشورهای طرفدار الگوی اقتصادی سوسیالیستی، جایگزین خصوصی‌سازی بوده و در کشورهای درحال توسعه‌ای که از مشاوره‌ها و راهکارهای مراجعی همچون بانک جهانی بهره می‌برند، به‌عنوان اصلاحات پیش از واگذاری، مورد استفاده قرار می‌گیرد[۱].

لازم به ذکراست که هیچ نسخه جهانی، منطقه ای و یا کشوری برای انتخاب بهترین روش خصوصی سازی وجود ندارد و تنها با بررسی اهداف، نوع مسائل، ویژگی های منطقه ای، قوانین و... می توان نسبت به انتخاب بهترین روش خصوصی سازی و مسیر اجرای آن اقدام نمود. در این تحقیق با استفاده از پرسشنامهٔ پنج گزینه ای لیکرت از نظرات مدیران ارشد و کارشناسان خبرهٔ شرکت آب منطقه ای تهران در مورد استفاده از سیاست تجاری سازی قبل از خصوصی سازی آگاه خواهیم شد.

۲- دلائل موافقان مالکیت دولتی در شرکت های اقتصادی

اقتصاددانانی همچون آتکینسون و استیگلیز[۴] (۱۹۹۰) و شاپیرو و ویلیگ[۵] (۱۹۹۰) شلیفر و ویشنیش[۶] (۱۹۹۴) گوریف و گلینسون (۲۰۰۶) از مدافعین و حامیان مالکیت دولتی، کنترل دولت بر اقتصاد را با ارائهٔ سه دلیل توجیه می‌کنند، که عبارتند از:

۱) مالکیت دولتی برای تضمین تعقیب متوازن اهداف اجتماعی و اقتصادی به جای تمرکز صرف بر کسب حداکثر سود.
۲) مالکیت دولتی راهی برای پاسخگویی به شکست های چشمگیر بازار به ویژه در صنایع دارای انحصارات طبیعی.
۳) مالکیت دولتی در جایی که نمی‌توان قراردادها را به صورت جامع و مانع تدوین نموده و آنها را اجرا کرد مؤثر است[۲].

۳- دلائل مخالفان مالکیت دولتی در شرکت های اقتصادی

اقتصاددانان با ارائه سه دلیل نشان می‌دهند که مالکیت دولتی ذاتاً ناکارآمدتر از مالکیت خصوصی خواهد بود که عبارتند از:

۱- انگیزهای ضعیف‌تر و یا متضاد تری مدیران شرکت های دولتی نسبت به همتایان خود در شرکت های خصوصی.
۲- عدم انگیزهٔ کافی برای نظارت دقیق بر عملکرد مدیریت و نبود شیوه های مؤثر برای رفع نواقص به فرض وجود ضعف.
۳- عدم تضمین معتبر از طرف سیاستمداران مبنی بر تعطیل کردن یا عدم پرداخت یارانه علیرغم مشاهده ضعف عملکرد این شرکت ها، لذا به ناگزیر این شرکت ها با محدودیت‌های بودجه‌ای نرم روبرو خواهند بود. [۲].

۴- روش های مهم و متداول خصوصی سازی

براساس نحوهٔ مالکیت، شیوهٔ واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی به دو بخش کلی تقسیم میشود که عبارتنداز :

۱- خصوصی سازی همراه با انتقال مالکیت .
۲- خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت .

جدول ۱ پیوستاری از ارائهٔ خدمات آب به شیوه های مختلف را نشان می دهد، بخش کاملاً دولتی در یک طرف پیوستار و بخش کاملاً خصوصی درطرف دیگر قرار دارد، بین این دو طیف، ترکیب مختلفی از مشارکت بخش دولتی و خصوصی وجود دارد. در این پیوستار، همانطور که ما از (A) به (c) حرکت می کنیم،درجهٔ مشارکت و همچنین میزان استقلال و رسیدن به بالاترین حد واگذاری افزایش می یابد. افزایش مشارکت سبب افزایش استقلال شرکت شده و استقلال نیز منجر به صرفه جویی در هزینه ها و دقت بیشتر در تخصیص منابع خواهد شد[۵].

4. Atkinson & Stiglitz
5. Shapiro & Willig
6. Shleifer & Vishny

جدول ۱ : مهمترین روش های جلب مشارکت بخش خصوصی در صنایع آب و برق

طبقه بندی	A_1	A_2	B_1	B_2	B_3	B_4	B_5	C_1	C_2	C_3
مسئولیت	دولتی	دولتی	خدمات	مدیریتی	Affermage	اجاره	اعطاء امتیاز	BOT	سرمایه گذاری مشترک	واگذاری کامل
ساختار	شرکتی	PLC	قراردادی	قراردادی	قراردادی	قراردادی	قراردادی			
مالکیت دارائی ها	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	خصوصی	خصوصی	خصوصی
تنظیم تعرفه	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی
سرمایه گذاری اولیه	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	خصوصی	خصوصی	خصوصی
هزینه و کیفیت	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی
مدیریت واحد نظارت	دولتی	دولتی	خصوصی -دولتی	خصوصی -دولتی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی
بهره برداری و نت	دولتی	دولتی	خصوصی -دولتی	خصوصی -دولتی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی
سرمایه در گردش	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی
ریسک تجاری	دولتی	دولتی	دولتی	دولتی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی	خصوصی
مدت قرارداد	نامحدود	نامحدود	۱تا۲ سال	۳تا۵سال	۸تا۱۵سال	۸تا۱۵سال	۲۰تا۳۰سال	۲۰تا۳۰سال	نامعین	نامعین
کشور : مثال	بسیاری از کشورها	هلند، لهستان ، شیلی	مکزیک، اوگاندا	آفریقای جنوبی، ونزوئلا	سنگال ، فرانسه	موزامبیک	آرژانتین ، فلیپین	آمریکا ، برزیل	کلمبیا، جمهوری چک، مجارستان	انگلستان و ولز

زیاد ← کم : میزان مشارکت واستقلال بخش خصوصی

منبع : آکوما ، ۲۰۰۶: ۵۴۳

۵- روندهای جهانی جلب مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب

آمار موجود در پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی در خصوص مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب بیانگر این است که در طی ۲۰ سال اخیر(۱۹۹۱-۲۰۱۰) بیشترین تعداد پروژهٔ مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب در سال ۲۰۰۷ میلادی (۸۱ مورد) به ثبت رسیده است که در نمودار ۱ آورده شده است. از نمودار ۱ استنباط می شود، که تمایل به جذب مشارکت بخش خصوصی در طرح ها یا پروژه های توسعه ای صنعت آب، از اقبال روزافزونی برخوردار است. نمودار ۲ روند بالا را براساس حجم سرمایه گذاری به تفکیک هر روش نشان می دهد.

نمودار ۱ : پروژه های منعقد شده با مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب و فاضلاب

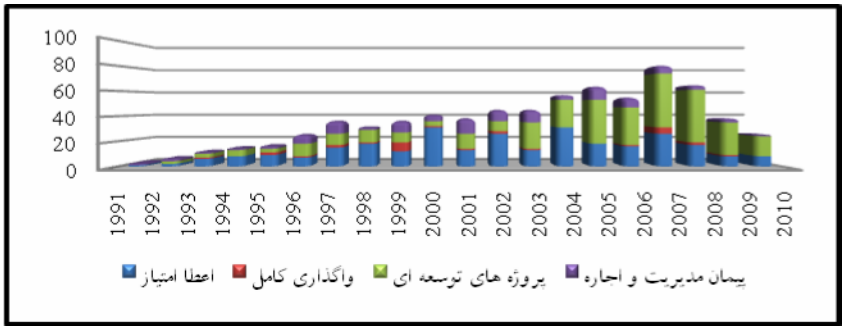

مأخذ: [۳].پایگاههای اطلاعاتی مشارکت بخش خصوصی در زیرساختها و بانک جهانی به تاریخ : 08/04/2011

نمودار ۲ : حجم سرمایه گذاری بخش خصوصی در صنعت آب و فاضلاب (میلیون دلار) به تفکیک هر روش

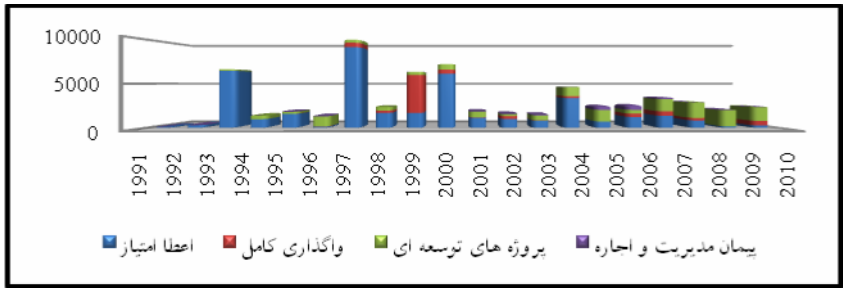

مأخذ: [۴].پایگاههای اطلاعاتی مشارکت بخش خصوصی در زیرساختها و بانک جهانی به تاریخ : 08/04/2011

براساس نمودار ۲ تنها در۵ سال ۱۹۹۳ ، ۱۹۹۷ ، ۱۹۹۹ ، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ حجم سرمایه گذاریها بیش از ۴ میلیارد دلار بوده است اما در سالهای اخیر با وجود افزایش تعداد پروژه، از حجـم سرمـایه گذاری کاسته شده که این امر نشان دهندهٔ تمایل به استفاده از الگوهای کم هزینه تر و طرحهای کوچکتر می باشد.براساس نمودار۱ و ۲ از سال ۲۰۰۷ تاکنون هم تعداد پروژه های مشارکت بخش خصوصی و هم حجم سرمایه گذاری این بخش در صنعت آب کاهش یافته که خود جای تأمل دارد.

نمودار۳ : نسبت به کارگیری انواع روش های مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب و فاضلاب (فراوانی)

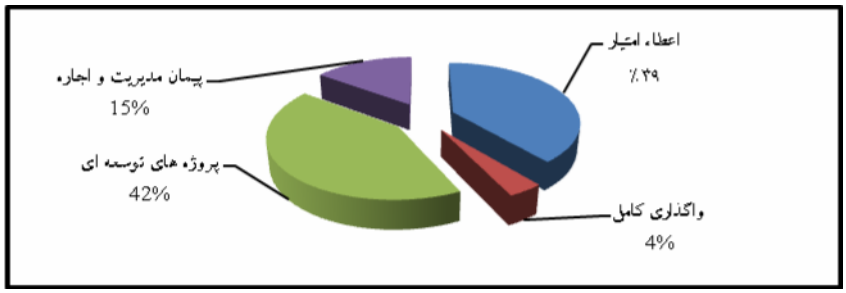

منبع : محقق ، براساس آمار پایگاه های اطلاعاتی بانک جهانی در زمینه مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب

با توجه به نمودار۳ از نظر تعداد، روش مشارکت در طرحهای توسعه ای جدید و سپس اعطاء امتیاز پرکاربردترین روش ها والگوی واگذاری و فـروش کامل، کم کاربردترین روش مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب و فاضلاب می باشد.

اما بررسی آمار طرح های شکست خورده در نمودار ۴ نشان می دهد که اجرای طرح های مشارکت خصوصی- دولتی، نیازمند دقت نظر و تامین پیش نیازهای مربوطه است.

نمودار۴ : طرح های شکست خورده مشارکت بخش خصوصی با بخش دولتی(تعداد و حجم سرمایه گذاری)

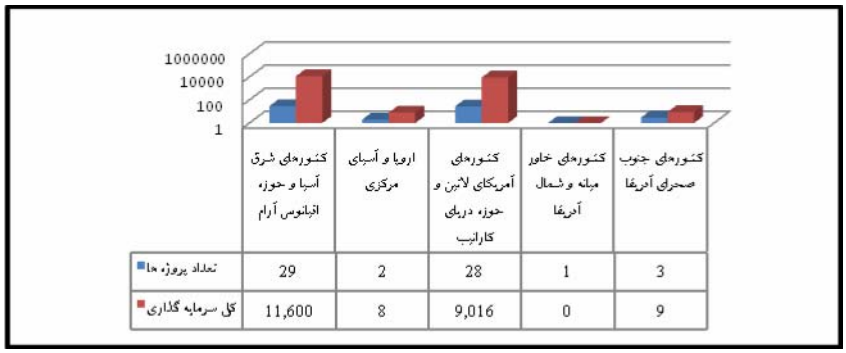

	کشورهای شرق آسیا و حوزه اقیانوس آرام	اروپا و آسیای مرکزی	کشورهای آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب	کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا	کشورهای جنوب صحرای آفریقا
تعداد پروژه ها	29	2	28	1	3
کل سرمایه گذاری	11,600	8	9,016	0	9

مأخذ: [۴].پایگاههای اطلاعاتی مشارکت بخش خصوصی در زیرساختها و بانک جهانی به تاریخ : 08/04/2011

۶- گزینه های اصلاح سازمانی

گزینه های اصلاح سازمانی، عمدتاً به دو نوع کلی اشاره دارد . این اصلاحات عبارتند از :

۱) تجاری سازی (شرکتی‌سازی[۷])

۲) مشارکت بخش خصوصی (PSP) [۸]

[7]. Corporatization
[8].private sector participation

تجاری سازی شامل مجموعه ای کامل از اصلاحات مورد نیاز در مدیریت برای دادن اختیار و استقلال لازم به مدیریت صنایع آب و برق در راستای اجرای وظایف محوله می باشد. نمودار ۵ مجموعه ای از انواع اصلاح سازمانی را نشان میدهد. در طول محور y ها، حالت های مختلف اصلاحات در مدیریت و یا تجاری سازی همرا با نمونه های عملی ارائه شده است[۳].

نمودار ۵ : گزینه های اصلاح سازمانی- شرکتی سازی (تجاری سازی) و مشارکت بخش خصوصی

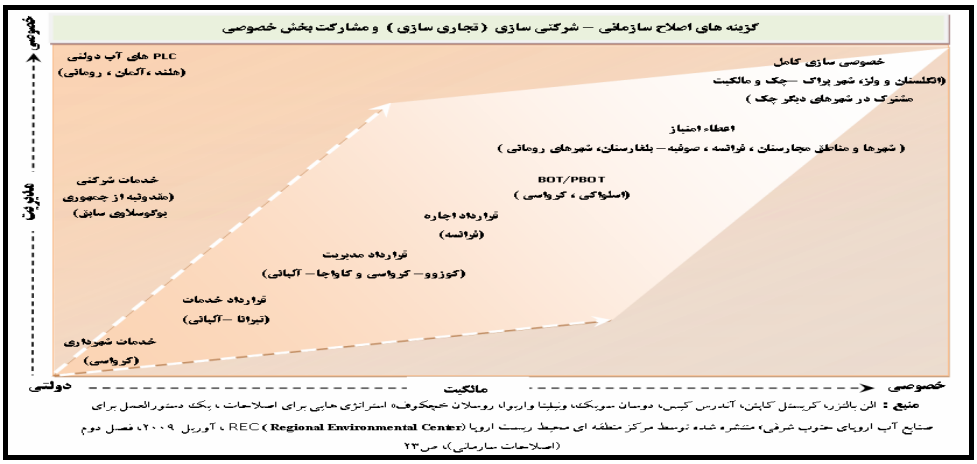

۷- فرضیه های تحقیق

فرضیۀ اخص (اصلی) عبارتند از :

۱) اغلب مـدیـران و کارشناسان ارشـد شـرکـت آب منطقه ای، سیاست تجاری سازی را بر خصوصی سازی مقدم می دانند.

فرضیات فرعی عبارتند از :

۱)استقلال مدیریت از حاکمیت (یکی از ابعاد تجاری سازی) پیش از واگذاری ادارۀ شرکت به مـدیران بخـش خصوصـی در ارتقـای عملکـرد شـرکت و پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی مؤثراست.

۲) استقلال مالی ازحاکمیت (به عنوان یکی از ابعاد تجاری سازی) پیش از واگذاری ادارۀ شرکت به مدیران بخش خصوصی در ارتقای عملکرد شرکت و پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی مؤثراست.

۳) واقعی شدن قیمت های آب وبرق (به عنوان یکی از راهکارهای تجاری سازی) پیش از واگذاری ادارۀ شرکت به مدیران بخش خصوصی در ارتقای عملکرد شرکت و پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی مؤثراست.

۴) انگیزۀ مالی برای کارکنان (به عنوان یکی از ابعاد مهم تجاری سازی) پیش از واگذاری ادارۀ شرکت به مدیران بخش خصوصی در ارتقای عملکرد شرکت و پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی مؤثراست.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

تجـزیه و تحلیـل داده هـا در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام پذیرفت. در بخش آمار توصیفی، با استفاده از جداول فراوانی و شاخص های وضعی به توصیف داده ها پرداخته شد و از آزمون کولموگروف اسمیرنف جهت بررسی نرمـال بـودن توزیع متغیرها استفاده شد. در بخش آمار استنباطی، فرضیه ها و سئوالات تحقیق با استفاده از آزمون دو جمله ای به بوتۀ آزمایش گذارده شده و در نهایت از آزمون فریدمن برای رتبه بندی مؤلفه های مورد مطالعه استفاده شد.

جدول شماره ۲ نتایج آزمون کولموگروف – اسمیرنف مربوط به بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها را نشان می دهد.

جدول ۲ : نتایج آزمون کولموگروف – اسمیرنف مربوط به بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

	استقلال مدیریت شرکت	استقلال مالی شرکت	واقعی شدن تعرفه های آب و برق	انگیزه های مالی برای کارکنان
تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۳/۹۴۳۷	۳/۹۶۴۳	٤/۱۳٤٥	٤/۲٥۲۳
انحراف معیار	۰/۷۷۱۳۳	۰/۷٦۳۳۸	۰/۷٦۸۳٦	۰/۷۱۷٦٥
Absolute	۰/۱٤۹	۰/۱۲۲	۰/۱۹۰	۰/۲۰۲
Positive	۰/۰۸٥	۰/۰۸۷	۰/۱۳۰	۰/۱٤۹
Negative	-۰/۱٤۹	-۰/۱۲۲	-۰/۱۹۰	-۰/۲۰۲
K-S	۱/٤۹۱	۱/۲۱٦	۱/۸۹۸	۲/۰۲٥
سطح معنی داری	۰/۰۲۳	۰/۱۰٤	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

سطح معنی داری آزمون فوق در تمامی متغیرهای تحقیق بجز متغیر استقلال مالی شرکت از حاکمیت، کمتر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین توزیع اغلب متغیرها نرمال نبوده، لذا جهت آزمون فرضیه های تحقیق از آزمون دوجمله ای استفاده شده است.

۸- آزمون فرضیه های تحقیق

مطابق جداول ۳ تا ۷ ، فرضیات فرعی ۱ تا ۴ و فرضیهٔ اصلی با سطح معنی داری آزمون دوجمله ای کمتر از ۰/۰۵ و با درصد پاسخ های بیشتر از مقدار ۳ (گزینه بی نظر) از پاسخ های کمتر یا مساوی عدد ۳ به ترتیب با ۸۷٪ ، ۸۵٪ ، ۸۷٪ ، ۹۳٪ و ۹۱٪ نسبتاً و کاملاً موافق مورد تأیید بوده، یعنی اغلب مدیران و کارشناسان ارشد شرکت بیان داشته اند که استقلال مدیریت و استقلال مالی شرکت از حاکمیت، واقعی شدن قیمتهای آب و برق و انگیزهٔ مالی برای کارکنان به عنوان ابعاد مهم تجاری سازی پیش از واگذاری ادارهٔ شرکت به مدیران بخش خصوصی در ارتقای عملکرد شرکت و پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی مؤثراست و در نهایت اغلب مدیران و کارشناسان ارشد شرکت ، سیاست تجاری سازی را بر خصوصی سازی مقدم می دانند.

جدول ۳ : نتایج آزمون دوجمله ای در خصوص استقلال مدیریت از حاکمیت

	گروه بندی	تعداد	احتمال مشاهده شده	احتمال مورد آزمون	سطح معنی داری
گروه ۱	<=۳	۱۳	۰/۱۳	۰/۵۰	۰/۰۰۰
گروه ۲	>۳	۸۷	۰/۸۷		
جمع		۱۰۰	۱/۰۰		

جدول ۴ : نتایج آزمون دوجمله ای در خصوص استقلال مالی از حاکمیت

	گروه بندی	تعداد	احتمال مشاهده شده	احتمال مورد آزمون	سطح معنی داری
گروه ۱	<=۳	۱۵	۰/۱۵	۰/۵۰	۰/۰۰۰
گروه ۲	>۳	۸۵	۰/۸۵		
جمع		۱۰۰	۱/۰۰		

جدول ۵ : نتایج آزمون دوجمله ای در خصوص واقعی شدن تعرفه های آب و برق

	گروه بندی	تعداد	احتمال مشاهده شده	احتمال مورد آزمون	سطح معنی داری
گروه ۱	<=۳	۱۳	۰/۱۳	۰/۵۰	۰/۰۰۰
گروه ۲	>۳	۸۷	۰/۸۷		
جمع		۱۰۰	۱/۰۰		

جدول ۶ : نتایج آزمون دوجمله ای در خصوص انگیزهٔ مالی برای کارکنان

	گروه بندی	تعداد	احتمال مشاهده شده	احتمال مورد آزمون	سطح معنی داری
گروه ۱	<=۳	۷	۰/۰۷	۰/۵۰	۰/۰۰۰
گروه ۲	>۳	۹۳	۰/۹۳		
جمع		۱۰۰	۱/۰۰		

جدول ۷ : نتایج آزمون دوجمله ای در خصوص تقدم سیاست تجاری سازی بر خصوصی سازی

	گروه بندی	تعداد	احتمال مشاهده شده	احتمال مورد آزمون	سطح معنی داری
گروه ۱	<=۳	۹	۰/۰۹	۰/۵۰	۰/۰۰۰
گروه ۲	>۳	۹۱	۰/۹۱		
جمع		۱۰۰	۱/۰۰		

نتیجه گیری

در ابتدا سوالی بنیادی مطرح می‌شود که : آیا صنعتی وجود دارد که به دلیل آنکه هزینه‌های تغییر مالکیت بـر مزایـای آن پیشی می‌گیرد، نباید به بخش خصوصی واگذار شود؟ در یک سطح، پاسخ به این سوال قطعاً آری است؛ خدمات دولتی بسیاری وجود دارند (دفاع، دستگاه قضایی، خدمات رفاهی اولیه) که نباید صرف نظر از آنکه منافع مادی انجـام آن تـا چـه حـد اسـت، عرضهٔ آنها از طریق عقد قرارداد به بخش خصوصی واگذار شود.

اما آیا فعالیت های اقتصادی پولی‌ای نیز وجود دارند که نباید خصوصی شوند؟ اگرچه با احتیاط می‌گوییم خیر، اما صنعتی هست که اثبات شده که انتقال مالکیت آن به بخش خصوصی به طریقی که به پیشرفت هـای رفـاهی آشـکاری منجـر گـردد، بسیار دشوار است، منظورمان صنعت آب و فاضلاب است. در گزارشهای متعدد بانک جهانی و سازمان ملل آمـده کـه مـدیریت آب و فاضلاب به قیمتی که هم برای عرضه‌کننده سودآور باشد و هم مصرف کننده بتواند از عهده هزینه‌های آن برآید (به ویژه در کشورهای فقیر که برای به روز کردن شبکه‌های آنها سرمایه‌گذاری های گسترده‌ای باید صـورت پـذیرد) بـی‌نهایـت دشـوار است.

متاسفانه، شواهد تجربی درباره خصوصی‌سازی صنعت آب و فاضلاب هم پیچیده و هم محدود است. در حـالی کـه سـال و پارکر[9](۲۰۰۳) هیچ گونه بهبودی در عملکرد صنعت آب و فاضلاب انگلستان و ولز نمی‌یابند که ناشی از خصوصی‌سازی باشـد، گالیانی، گرتلر و شاردروسکی[10] (۲۰۰۱) بهبود چشمگیری را در عملکرد (و توسعه خدمات) شرکت هـای آب کشـور آرژانتـین نشان می‌دهند که پس از واگذاری در اوایل دهه ۱۹۹۰ به دست آمده است. بنابراین در مجموع می‌تـوانیم نتیجـه بگیـریم کـه شاید بتوان شرکت های آب و فاضلاب را به بخش خصوصی واگذار کرد، اما باید توجه داشت که تغییر مالکیت تنها در صـورتی به بهبود چشمگیر خدمات منجر می‌شود، که اجازه داده شود هزینه خدمات در ابعاد قابل ملاحظـه‌ای افـزایش یابـد و مصـرف کنندگان بتوانند این قیمت‌ها را بپردازند[۲].

با توجه به مقدمهٔ فوق و دلایل ذیل تجاری سازی شرکت آب منطقه ای تهران می تواند به عنوان پیش زمینه و یا حتی جایگزین خصوصی سازی در شرایط فعلی بهترین شیوهٔ ممکن باشد. این دلایل عبارتند از :

۱) با خصـوصی سـازی در صـنعت آب نمی توان فضای کاملاً رقابتی ایجاد کرد چرا که خصوصی سازی عملاً با نوعی اعطاء امتیاز انحصاری و نوعی انحصار طبیعی همراه بوده، لذا نمی تواند انگیزهٔ رقابتی بالایی ایجاد کند.

۲) شکاف بین درآمدها و هزینه های شرکت های آب منطقه ای و به عبارت دیگر زیان ده بودن این شرکت ها.

۳) تعداد زیاد کارکنان و مقاومت اتحادیه کارگری و کارکنان در مقابل خصوصی سازی .

[9]. Saal And Porker
[10]. Galiani, Gertler and Schargrodsky

۴) بررسی صنعت آب سه کشور انگلستان ، هلند و فرانسه نشان می دهد که افزایش کارآیی در صنعت این سه کشور، مستقل از مالکیت می باشد یعنی بدون انتقال مالکیت نیز می توان در صنعت آب کارآئی را افزایش داد.

۵) ضرورت ایجاد ارگان های دولتی عریض و طویل که بایستی فرآیند پیچیده و پر هزینهٔ نظارت زیست محیطی بر عملکرد بخش خصوصی و کنترل منابع آبی را بر عهده بگیرند.

۶) شرایط حاکم برفضای جامعه و آماده نبودن چنین فضائی جهت واگذاری و انتقال مالکیت به بخش خصوصی.

۷) نبود بخش خصوصی قوی و توانمند برای پذیرش مسئولیت سنگینی چون مسئولیت صنعت استراتژیک آب.

راهکارهای پیشنهادی جهت پیاده سازی سیاست تجاری سازی در شرکت آب منطقه ای تهران

پس از تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و استنباطی و مطابق فرضیات فرعی و اصلی، راهکارهای پیشنهادی جهت پیاده سازی و تسریع در اجرای سیاست تجاری سازی در شرکت آب منطقه ای تهران به شرح ذیل اعلام گردید :

۱- عزل و نصب مدیران شرکت ها بر اساس قابلیت های فنی و مدیریتی آنان (شایسته سالاری در انتصابات).

۲- محاسبه قیمت تمام شدهٔ آب و برق به تفکیک مراحل مختلف زنجیرهٔ ارزش با هدف شناسایی فرصتهای کاهش هزینه.

۳- محاسبه و برآورد قیمت استاندارد آب و برق تحویلی به مشترکان و هدف گذاری و تلاش برای دستیابی به آن.

۴- محاسبه و به روزآوری ارزش دارایی های شرکت.

۵- استفاده از سیستم های انگیزشی مؤثر و مرتبط با اهداف کمی راهبردی.

۶- تجدید ساختار شرکت با هدف کاهش نیروی انسانی.

۷- تدوین برنامه و دستورالعمل های لازم جهت برون سپاری کامل فعالیت های قابل انتقال و حرکت در آن جهت.

۸- شفاف سازی و ایجاد تعاملات بیشتر و سازنده با سازمان ها و نهادهای دولتی و خصوصی و تلاش جهت تقویت آن.

۹- استقرار سیستم مدرن ثبت اطلاعات و حرکت در جهت شفاف سازی و ثبت داده های مالی و فنی.

۱۰- استفاده فراگیر از تکنولوژی اطلاعات(IT) به منظور افزایش سرعت و دقت فرآیندها، کاهش بوروکراسی، ساده سازی امور، تولید داده ها و اطلاعات و نیز کاهش هزینه نیروی انسانی .

۱۱- استفاده از روش های نوین بودجه ریزی.

۱۲- بازبینی اساسنامهٔ شرکت آب منطقه ای تهران و استفاده از قانون تجارت برای تجاری سازی این شرکت ها.

۱۳- ایجاد یک بانک اطلاعاتی یکپارچه و مدرن مدیران عالی جهت اندازه گیری عملکرد آنها و استفاده در انتصابات.

۱۴- انجام اصلاحات نهادی(حذف مقررات زائد و تدوین قوانین جدید و ...) با کمک نهادهای قانون گذاری.

منابع :

۱- صمصامی ، افشین . حسینی آشتیانی، حمیدرضا. مقاله: « تاملی بر خصوصی سازی شرکت های آب و برق » . شرکت مشاوره مدیریت آریانا. سال ۱۳۸۹.صفحه ۱۱-۹

۲- مگینسون، ویلیام ال. « اقتصاد مالی خصوصی سازی ».مترجم:صفار، محمد. به سفارش سازمان خصوصی‌سازی.زمستان ۱۳۸۸. صفحه ۵۳-۳۹ و۵۹۸ -۶۰۰

3- Ellen Baltzar ,Christelle Kapoen,Andras Kis,Dusan Sevic,Venelina Varbova,Ruslan Zhechkov, paper :« Strategies for Reform ,A Manual for Water Utilities,in South Eastern Europe »The Regional Environmental Center for Central and Eastern Europe (REC), APRIL 2009,pp23-32.

4- http://ppi.worldbank.org/explore/ppi_exploreSector.aspx?sectorID=4

5- O.A.K'Akumu, paper: «Privatization model for water enterprise in Kenya», Water Policy 8 (۲۰۰۶) 539–557.